

Research Paper

Analysis and Examination of the Translation of Khayyam's Rubaiyat Based on the Critical Discourse Analysis Model of Yarmohammadi

· Marzieh Khalilizadeh Ganjalikhani¹, Anahita Amirshojaee^{2*}, Maryam Ghodrati³

¹ Assistant Professor of translation studies, Foreign Languages Department, Tourism Faculty, Higher Education Complex of Bam

² Assistant Professor of translation studies, Foreign Languages Department, Tourism Faculty, Higher Education Complex of Bam

³ Assistant Professor of translation studies, Foreign Languages Department, Faculty of Management and Humanity, Chabahar Maritime University, Chabahar, Iran.



10.22080/lpr.2025.28586.1074

Received:

February 07, 2025

Accepted:

March 18, 2025

Available online:

March 19, 2025

Keywords:

Critical discourse analysis, Poetry translation, Rubaiyat, Macro-level analysis, Micro-level analysis

Abstract

This study examines three translations of Khayyam's Rubaiyat based on the critical discourse analysis model of Yarmohammadi in the translation of Khayyam's poetry. Initially developed as a discourse analysis of Edward Fitzgerald's translation, this model emphasizes that Fitzgerald's discourse remains aligned with Khayyam's discourse throughout his translations. The current research revisits this model and applies it to the discourse analysis of three translations of Khayyam's Rubaiyat, including those by Fitzgerald, E. H. Whinfield, and Abbas and Mansour Aryanpur, analyzing eight selected Rubaiyat. The findings indicate that the translation strategies in these works differ significantly; for instance, Fitzgerald alters images and contextual elements to align with the readers' tastes, while Whinfield demonstrates greater fidelity to Khayyam's ideology, although he makes some changes for clarity and omits certain elements. Aryanpur's translation is closer to the original text; however, in some cases, his excessive adherence to the source text may lead to misunderstandings for readers. Based on these analyses, it can be concluded that while Yarmohammadi's model is useful for macro-level discourse analysis, examining poetic elements such as rhyme, phonetic embellishment, acoustic balance, and imagery requires a complementary framework at the micro level.

*Corresponding Author: Anahita Amirshojaee

Address: Assistant Professor of translation studies, Foreign Languages Department, Tourism Faculty, Higher Education Complex of Bam

Email: amirshojaianahita@gmail.com

علمی

بررسی و تحلیل ترجمه رباعیات خیام براساس مدل تحلیل گفتمان انتقادی یارمحمدی

مرضیه خلیلی‌زاده گنجعلی‌خانی^۱، آناهیتا امیرشجاعی^{۲*}، مریم قدرتی^۳

^۱ استادیار مطالعات ترجمه، عضو هیات علمی گروه زبانهای خارجی، دانشکده گردشگری، مجتمع آموزش عالی بم، کرمان، ایران

^۲ استادیار مطالعات ترجمه، عضو هیات علمی گروه زبانهای خارجی، دانشکده گردشگری، مجتمع آموزش عالی بم، کرمان، ایران

^۳ استادیار مطالعات ترجمه، عضو هیات علمی گروه زبانهای خارجی، دانشکده مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، چابهار، ایران



10.22080/lpr.2025.28586.1074

چکیده

این پژوهش به بررسی سه ترجمه از رباعیات خیام براساس مدل تحلیل گفتمان انتقادی یارمحمدی در ترجمه‌ی شعر خیام می‌پردازد. این مدل، که در ابتدا به‌عنوان تحلیل گفتمان ترجمه‌ی ادوارد فیتزجرالد توسعه یافته است، بر این نکته تأکید دارد که گفتمان فیتزجرالد در سراسر ترجمه‌هایش با گفتمان خیام همسو باقی می‌ماند. پژوهش حاضر این مدل را بازبینی کرده و آن را در تحلیل گفتمان سه ترجمه از رباعیات خیام، از جمله ترجمه‌های فیتزجرالد، ای. اچ. وینفیلد و عباس و منصور آریان‌پور، به کار گرفته و هشت رباعی منتخب را مورد تحلیل قرار داده است. یافته‌ها حاکی از آن است که راهبردهای ترجمه در این آثار تفاوت‌های قابل‌توجهی دارند؛ از جمله آنکه فیتزجرالد تصاویر و عناصر زمینه‌ای را تغییر داده تا با ذائقه‌ی خوانندگان هماهنگ شود درحالی‌که وینفیلد وفاداری بیشتری به ایدئولوژی خیام نشان می‌دهد، هرچند در برخی موارد برای وضوح بیشتر تغییراتی ایجاد کرده و برخی موارد را ترجمه نکرده است. ترجمه‌ی آریان‌پور به متن اصلی نزدیک‌تر است اما در برخی موارد به دلیل پایبندی بیش‌ازحد به متن مبدأ ممکن است باعث ایجاد سوءتفاهم در خوانندگان شود. براساس این بررسی‌ها می‌توان گفت درحالی‌که مدل یارمحمدی برای تحلیل گفتمان در سطح کلان مفید است، بررسی عناصر شعری همچون قافیه، واج‌آرایی، توازن آوایی و تصویرسازی نیازمند یک چارچوب مکمل در سطح خرد است.

تاریخ دریافت:

۱۹ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۲۸ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

۲۹ اسفند ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

تحلیل گفتمان انتقادی،
ترجمه‌ی شعر، رباعی، تحلیل
سطح کلان، تحلیل سطح خرد

* نویسنده مسئول: آناهیتا امیرشجاعی

آدرس: استادیار مطالعات ترجمه، عضو هیات علمی گروه زبانهای

خارجی، دانشکده گردشگری، مجتمع آموزش عالی بم، کرمان،

ایران

ایمیل: amirshojaianahita@gmail.com

۱ مقدمه

ترجمه‌ی شعر یکی از حوزه‌های چالش‌برانگیز مطالعات ترجمه است (یاکوبسن، ۱۹۵۹)، به‌ویژه آنکه در ترجمه‌ی شعر انتقال معنا کافی نیست و لازم است که جنبه‌های زیبایی‌شناختی، موسیقایی و گفتمانی متن اصلی حفظ شود (بسن، ۱۹۹۳). رباعیات خیام از جمله آثاری است که ترجمه‌های متعددی از آن به زبان‌های مختلف ارائه شده است. این رباعیات به‌دلیل برخورداری از مفاهیم فلسفی، ساختار ادبی منحصربه‌فرد و ابهام‌های متعدد، چالش‌های فراوانی را پیش روی مترجمان قرار داده است (خیام، ۲۰۲۰). ترجمه‌ی هر مترجمی بازتابی از درک و فهم او از شعر است و لاجرم فقدان معنایی اتفاق می‌افتد (امیرشجاعی و خلیلی‌زاده گنجعلی‌خانی ۲۰۱۷). از آنجاکه بنا بر عقیده‌ی تحلیل‌گران گفتمان‌شناسی متون ادبی همانند سایر متون برای ایجاد ارتباط به کار می‌روند، می‌توان آن‌ها را با رویکردی انتقادی تحلیل کرد (آقاگل‌زاده، ۲۰۰۷). یکی از مهم‌ترین مدل‌های ارائه‌شده برای تحلیل انتقادی ترجمه‌ی رباعیات خیام، مدل یارمحمدی (۲۰۰۱) است که ابتدا برای بررسی گفتمان در ترجمه‌ی ادوارد فیتزجرالد توسعه یافته و به بررسی لایه‌های زیرین متن می‌پردازد؛ چراکه در گفتمان انتقادی وظیفه‌ی مترجم علاوه‌بر ترجمه‌ی سطوح معنایی کشف لایه‌های زیرین و جامعه‌شناختی نیز هست (محسنی، ۲۰۱۲).

با توجه به اهمیت گفتمان در انتقال پیام‌های ضمنی یک اثر ادبی، این پژوهش سه ترجمه‌ی متفاوت از رباعیات خیام، اثر ادوارد فیتزجرالد، ای. اچ. وینفیلد، و عباس و منصور آریان‌پور را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف این مطالعه، تحلیل میزان مطابقت گفتمان این ترجمه‌ها با گفتمان خیام و ارزیابی راهبردهای مترجمان در بازآفرینی سبک و

پیام‌های شاعر است. در این راستا، این پژوهش قصد دارد نشان دهد که آیا مدل یارمحمدی برای تحلیل گفتمان در ترجمه‌ی شعر کافی است یا نیاز به چارچوبی مکمل برای بررسی ویژگی‌های سبکی همچون قافیه، واج‌آرایی و توازن آوایی دارد.

۲ بحث

۲/۱ پیشینه‌ی ترجمه‌ی رباعیات خیام

رباعیات خیام از قرن نوزدهم میلادی مورد توجه مترجمان غربی قرار گرفت و نخستین ترجمه‌ی برجسته‌ی آن توسط ادوارد فیتزجرالد در سال ۱۸۵۹ منتشر شد. این ترجمه به‌طور گسترده بر مخاطبان انگلیسی‌زبان تأثیر گذاشت و باعث محبوبیت خیام در جهان غرب شد (فیتزجرالد، ۱۸۵۹؛ دبلویز^۱، ۲۰۰۴). با این حال بسیاری از محققان بر این باورند که فیتزجرالد در ترجمه‌ی خود تغییرات گسترده‌ای در ساختار و محتوای شعر ایجاد کرده است، به‌گونه‌ای که برخی آن را «بازآفرینی» (recreation) و نه یک ترجمه‌ی وفادار می‌دانند (نیکلسون^۲، ۲۰۱۳؛ خیام، آربری^۳، ۱۹۵۲)؛ درمقابل، ترجمه‌ی ای. اچ. وینفیلد (۲۰۱۳) و ترجمه‌ی عباس و منصور آریان‌پور به متن اصلی وفادارتر هستند، هرچند که هرکدام در انتقال مفاهیم فلسفی و زیبایی‌شناختی خیام، چالش‌هایی دارند (خیام، ۲۰۲۰).

۲/۲ مضامین اشعار خیام

حکیم عمر خیام نیشابوری، فیلسوف، ریاضی‌دان و شاعر برجسته‌ی ایرانی، در رباعیات خود به بیان مضامین فلسفی عمیقی پرداخته است که همچنان مورد توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان است. از آنجاکه بازتاب این مضامین در ترجمه نقش عمده‌ای در

^۳ Arberry

^۱ Deblois

^۲ Nicholson

شک و تردید فلسفی: خیام در برخی از رباعیات خود به بیان شک و تردیدهای فلسفی می‌پردازد و پرسش‌هایی را درباره‌ی معنا و هدف زندگی مطرح می‌کند (اعظم، ۲۰۲۰).

آورد به اضطرابم اول به وجود

جز حیرتم از حیات چیزی نفزود

رفتیم به اکراه و ندانیم چه بود

زین آمدن و بودن و رفتن مقصود

نقد ریاکاری و تظاهر: خیام در اشعارش منتقد ریاکاری و تظاهر در جامعه است و انسان‌ها را به صداقت و دوری از دورویی دعوت می‌کند (علوی مقدم و همکاران، ۲۰۱۵).

شیخی به زنی فاحشه گفتا مستی

هر لحظه به دام دگری پا بستی

گفتا شیخا هر آنچه گویی هستم

آیا تو چنان‌که می‌نمایی هستی

این مضامین نشان‌دهنده‌ی اندیشه‌های عمیق فلسفی خیام و نوع نگرش او به زندگی، مرگ و انسانیت است که در قالب رباعیات به زیبایی بیان شده‌اند.

۲،۳ نقش گفتمان انتقادی در ترجمه‌ی شعر

مطالعات ترجمه نشان داده که گفتمان یک اثر نقش مهمی در نحوه‌ی درک و تفسیر آن دارد (هاتیم و میسون^۱، ۱۹۹۷) گفتمان شعری شامل ترکیبی از عناصر زبانی، فرهنگی و سبکی است که پیام شاعر را به مخاطب منتقل می‌کند (بیکر^۲، ۲۰۱۸). مدل‌های متفاوتی از تحلیل گفتمان در انگلیسی ارائه شده‌اند از جمله مدل هاج و کرس^۳ (۱۹۹۳)، فرکلایف^۴ (۲۰۱۳)،

آشنایی مخاطبان غیرپارسی‌زبان با این ادیب و دانشمند برجسته دارد در اینجا به برخی از مهم‌ترین مضامین فکری خیام اشاره می‌شود:

ناپایداری و بی‌ثباتی جهان: خیام به‌طور مکرر به گذرا بودن زندگی و ناپایداری دنیا اشاره می‌کند و این مفهوم در بسیاری از رباعیات وی منعکس شده است (فاضلی و مهبود، ۲۰۰۸).

ازجمله‌ی رفتگان این راه دراز

کو باز آمده‌ای که به ما گوید راز

هان بر سر این دو راهه از روی نیاز

چیزی نگذاری که نمی‌آیی باز

مرگ و فناپذیری انسان: اندیشه‌ی مرگ و فناپذیری انسان از دیگر موضوعات برجسته در اشعار خیام است. او بر یادآوری مرگ و ناپایداری حیات تأکید دارد و به انسان‌ها توصیه می‌کند که از لحظات زندگی بهره‌مند شوند (دستگیری، ۱۴۰۳).

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم

وین یک‌دم عمر را غنیمت شمیریم

فردا که از این دیر فنا درگذریم

با هفت هزارسالگان سربه‌سریم

اغتنام فرصت و لذت‌جویی: باتوجه‌به ناپایداری زندگی، خیام بر لذت‌بردن از لحظات حال تأکید دارد و توصیه می‌کند که انسان‌ها از فرصت‌های موجود برای شادی و خوشی استفاده کنند (دستگیری، ۱۴۰۳).

گویند کسان بهشت با حور خوش است

من می‌گویم که آب انگور خوش است

این نقد بگیر و دست از آن نسپه بدار

که آواز دهل شنیدن از دور خوش است

^۳ Kress

^۴ Fairclough

^۱ Hatim & Mason

^۲ Baker

ون دایک^۱ (۲۰۱۳) و ون لیون^۲ (۲۰۱۳). مدل یارمحمدی که الهام‌گرفته از مدل ون لیون است بر تحلیل عناصر زبانی و جامعه‌شناختی در سطح کلان تمرکز دارد و نشان می‌دهد که چگونه گفتمان یک مترجم می‌تواند با گفتمان شاعر همسو یا متفاوت باشد (یارمحمدی، ۲۰۰۱). با این حال برخی پژوهشگران بر این باورند که مدل‌های گفتمان انتقادی به‌تنهایی برای بررسی تمام جنبه‌های ترجمه‌ی شعر کافی نیست و باید با تحلیل‌هایی در سطح خرد از جمله بررسی قافیه، واج‌آرایی و ساختار موسیقایی شعر کامل شود (ماندی^۳ و همکاران، ۲۰۲۲).

۲،۴ مدل تحلیل گفتمان انتقادی یارمحمدی

مدل تحلیل گفتمان انتقادی یارمحمدی در تحلیل رباعیات خیام به چند اصل کلیدی اشاره دارد که درک متن را تسهیل می‌کند. او معتقد است که درک یک متن نیازمند دو عامل اساسی است: دانش پس‌زمینه (background knowledge) و اسکمتا (schemata) که بین گوینده/شنونده و نویسنده/خواننده مشترک است. اسکمتا بر دو قسم است: فرم (form) و محتوا (content) برای مثال داستان عاشقانه و داستان ترسناک در محتوا متفاوت هستند، و همین‌طور در شعر نیز چنین تفاوت‌هایی وجود دارد. برای مثال قصیده در توصیف و ستایش «عظمت» چیزی یا کسی استفاده می‌شود؛ بنابراین ظاهر آن نیز بلند است. اما موضوع رباعی کوتاهی زندگی یا لذت بردن از زندگی است؛ بنابراین ظاهر آن نیز کوتاه است و این کوتاهی در ظاهر آن به‌خوبی نمایان است.

توجه به سه ویژگی مهم در رباعیات خیام ضروری است:

- توصیف (description) به‌عنوان مثال توصیف طبیعت
- پیشنهاد (suggestion) ارائه‌ی توصیه به خواننده
- توجیه (justification) توجیه یا توضیح پیشنهاد

این سه عنصر ممکن است به‌صورت صریح یا غیرصریح در رباعیات وجود داشته باشند.

در تحلیل گفتمان، سه عامل اصلی وجود دارد:

- راهبردهای مبتداسازی (thematization strategies) یا به عبارتی معرفی موضوعات
- اطلاعات ساختاری (structural information) گفتمان
- ابزارهای انسجامی (cohesive devices) یا دستگاه‌های زبانی برای پیوند دادن جملات و مفاهیم

به عقیده‌ی یارمحمدی (۲۰۱۴)، فیتزجرالد مجموعه‌ای از ۱۰۱ بیت را ایجاد کرده که در آن، سه عنصر اصلی رباعیات خیام (توصیف، پیشنهاد و توجیه) در ابیات مختلف نشان داده شده است. درواقع فیتزجرالد در این مجموعه از تصاویر مختلف از اشعار یا حتی شاعران مختلف با هدف حفظ گفتمانی یکسان استفاده کرده است (یارمحمدی، ۱۳۸۳).

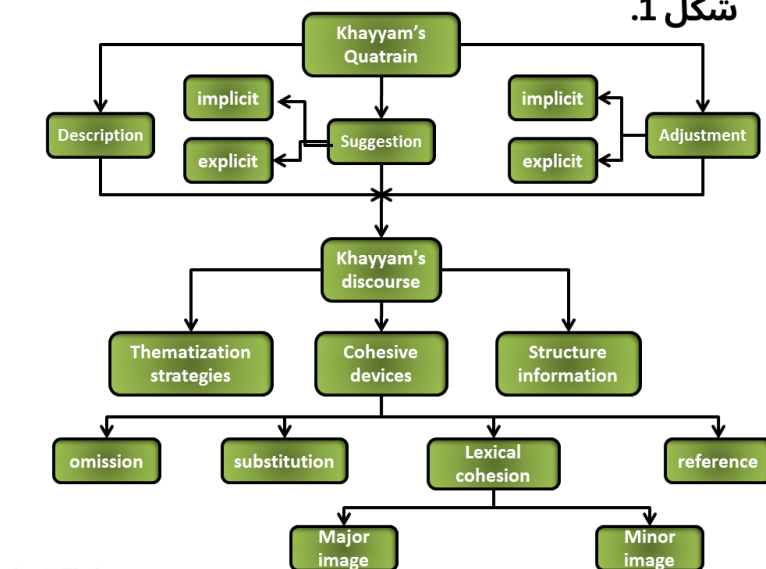
در شکل ۱ شمایی از مدل یار محمدی نشان داده شده است.

^۳ Munday

^۱ Van Dijk

^۲ Van Leeuwen

شکل ۱.



فیتزجرالد محسوب می‌شود (خیام، ۲۰۲۰)؛ برخلاف فیتزجرالد که در ترجمه‌ی خود از آزادی‌های شاعرانه بهره برده، وینفیلد ساختار و محتوای اصلی شعر را حفظ کرده است. او در ترجمه‌ی خود بیش از ۵۰۰ رباعی را گردآوری و سعی کرده است تا هرچه بیشتر به معنای دقیق اشعار خیام پایبند بماند (نیکلسون، ۱۹۲۱). باین‌حال برخی از منتقدان بر این باورند که ترجمه‌ی او گاهی فاقد جذابیت شاعرانه است و بیشتر به یک ترجمه‌ی تحت‌اللفظی نزدیک شده است (علوی‌مقدم و همکاران، ۲۰۱۵).

۲/۵/۳ عباس و منصور آریان‌پور

عباس و منصور آریان‌پور، دو مترجم ایرانی، از برجسته‌ترین مترجمان آثار ادبی فارسی به انگلیسی هستند. ترجمه‌ی آن‌ها از رباعیات خیام به دلیل پایبندی به متن اصلی و تلاش برای انتقال دقیق مفاهیم و سبک شعری خیام شناخته شده است. برخلاف فیتزجرالد که اشعار را به‌طور آزادانه بازآفرینی کرده، آریان‌پورها تلاش کرده‌اند تا ساختار دستوری، قافیه و سبک خیام را حفظ کنند.

۲/۵ معرفی مترجمان منتخب

۲/۵/۱ ادوارد فیتزجرالد

ادوارد فیتزجرالد، شاعر و مترجم انگلیسی، اولین بار در سال ۱۸۵۹ رباعیات خیام را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. ترجمه‌ی او بیشتر یک اقتباس شاعرانه محسوب می‌شود تا یک ترجمه‌ی دقیق، زیرا فیتزجرالد بسیاری از رباعیات را تغییر داده، بعضی را حذف و برخی را با یکدیگر ترکیب کرده است (دبلویز، ۲۰۰۴). او کوشیده تا مضامین اشعار خیام را به شیوه‌ای بازآفرینی کند که برای مخاطب انگلیسی‌زبان قرن نوزدهم قابل‌فهم‌تر و جذاب‌تر باشد (خیام و آربری، ۱۹۵۲). بسیاری از منتقدان معتقدند که ترجمه‌ی فیتزجرالد بیشتر بازتابی از تفکرات شخصی او درباره‌ی تقدیر و لذت‌گرایی است تا یک ترجمه‌ی وفادار به متن اصلی. باین‌حال این ترجمه تأثیر زیادی بر ادبیات انگلیسی گذاشت و باعث شهرت جهانی خیام شد.

۲/۵/۲ ای. اچ. وینفیلد

ای. اچ. وینفیلد، مستشرق و مترجم انگلیسی، در سال ۱۸۸۳ ترجمه‌ی خود از رباعیات خیام را منتشر کرد که به‌لحاظ سبک و دقت وفادارانه‌تر از ترجمه‌ی

۲،۶ ضرورت پژوهش

باتوجه به تأثیر گسترده‌ی ترجمه‌های خیام بر ادبیات جهان و اهمیت تحلیل گفتمان در مطالعات ترجمه، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا مدل یارمحمدی می‌تواند به‌طور کامل تفاوت‌های گفتمانی میان ترجمه‌های فیتزجرالد، وینفیلد و آریان‌پور را توضیح دهد یا نیاز به چارچوبی تکمیلی دارد. نتایج این مطالعه می‌تواند به درک بهتر راهبردهای ترجمه‌ی شعر کمک کند و پیشنهادهایی برای بهبود مدل‌های تحلیل گفتمان در حوزه‌ی مطالعات ترجمه ارائه دهد.

۲،۷ روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی است و از روش تحلیل گفتمان برای بررسی سه ترجمه‌ی منتخب از رباعیات خیام استفاده می‌کند.

انتخاب نمونه‌ها: هشت رباعی مشخص از خیام که در هر سه ترجمه موجود هستند، به‌عنوان نمونه‌ی پژوهش انتخاب شده‌اند. ولی در این مقاله تنها به تحلیل و ارائه‌ی شماتیک سه ترجمه‌ی متفاوت از یک رباعی اکتفا شده است.

منابع پژوهشی: ترجمه‌ی رباعیات منتخب این پژوهش از سه منبع گردآوری شده است: نخستین نسخه‌ی ترجمه متعلق به ادوارد فیتزجرالد (۲۰۰۹) دومین ترجمه متعلق به ای. اچ. وینفیلد (۲۰۱۳)، و سومین ترجمه متعلق به عباس آریان‌پور و منصور آریان‌پور (۱۹۷۱) است.

تحلیل داده‌ها: ترجمه‌های ارائه‌شده توسط فیتزجرالد، وینفیلد و آریان‌پور ازمنظر گفتمان انتقادی و تغییرات معنایی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

رویکرد تحلیلی: از مدل یارمحمدی برای تحلیل گفتمان در سطح کلان استفاده می‌شود و در صورت لزوم، چارچوب‌های مکمل برای تحلیل ویژگی‌های سبکی و موسیقایی به کار گرفته خواهند شد.

۲،۸ بحث و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این قسمت به تجزیه و تحلیل یک رباعی منتخب و سه ترجمه از آن می‌پردازیم و پس از آن شمای کلی ترجمه را براساس مدل یار محمدی نشان می‌دهیم.

رباعی اصلی

یک چند به کودکی به استاد شدیم
یک چند ز استادی خود شاد شدیم
پایان سخن شنو که ما را چه رسید
از خاک در آمدیم و بر باد شدیم

ترجمه‌ی اول (فیتزجرالد):

With them the seed of wisdom did I sow
And with my own hand wrought to make
it grow;
And this was all the harvest that I reap'd
I came like water, and like wind I go".

ترجمه‌ی دوم (وینفیلد):

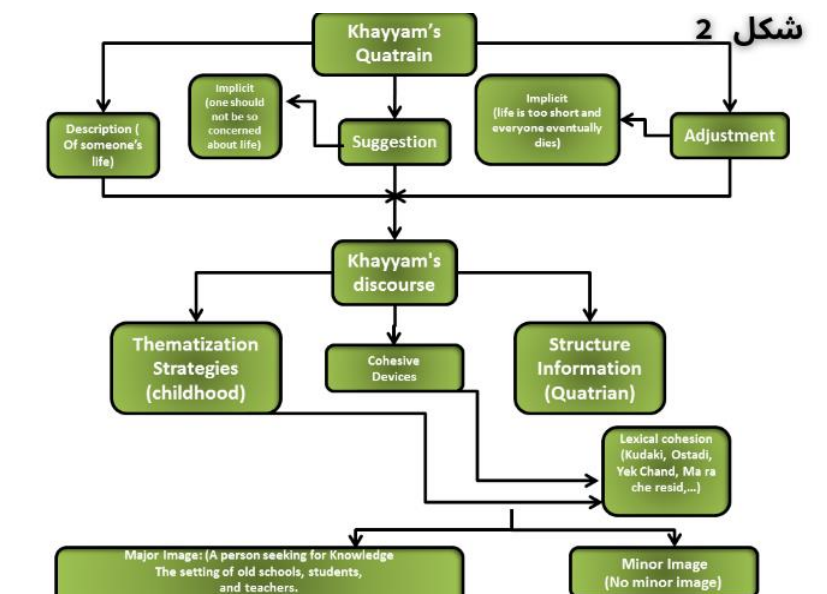
I studied with the masters long ago
And long ago did master all they know ;
Here now the end and issue of it all
From earth I came and like wind I go!

ترجمه‌ی سوم (عباس و منصور آریان‌پور):

In my childhood to a tutor I went
My later days, as a teacher I spent.
Hearken what will befall us in the end
From earth we rose, and to earth we are
sent!

کلمات کلیدی این رباعی که طرح و صحنه‌ی کلی را ایجاد می‌کنند عبارتند از: «یک چند»، «کودکی»، «استادی»، «ما را چه رسید»، «از خاک درآمدیم و بر باد شدیم». این کلمات خواننده را به فضای مدرسه، دانش‌آموزی، معلمی، مطالعه، و نتیجه‌ی نهایی هدایت می‌کنند. اگرچه برای درک این صحنه خیام تنها از یک کلمه استفاده کرده است: «استاد!». عبارت «ما را چه رسید» که به نتیجه‌ی نهایی اشاره دارد، به فضای مدرسه مرتبط است اما به‌خودی‌خود و به‌طورکلی می‌تواند به نتیجه‌ی نهایی هرچیزی اشاره داشته باشد. به‌عبارتی‌دیگر می‌تواند به هر نوع تلاشی مربوط باشد، به‌عنوان مثال فعالیت کشاورزی، کوزه‌گری و غیره. در شکل ۲ شمای کلی این رباعی نشان داده شده است.

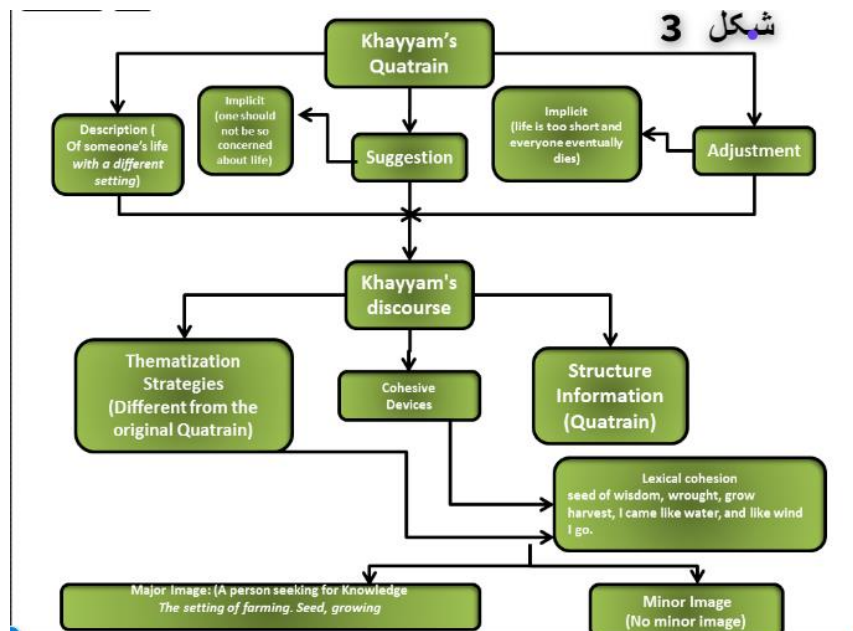
در تفسیر این رباعی می‌توان گفت که این رباعی توصیفی از زندگی شخصی است که در کودکی سخت تلاش و کوشش کرده، به کسب دانش پرداخته و به درجه‌ی استادی رسیده است، اما درنهایت مرگ به‌عنوان دستاورد نهایی مطرح شده است. با بررسی این رباعی براساس عناصر موجود در مدل یارمحمدی می‌توان گفت در این رباعی عنصر توصیف کاملاً آشکار است اما پیشنهاد و توجیه به‌صورت ضمنی بیان شده‌اند. شاعر با استفاده از زبان استعاری و بدون اشاره‌ی مستقیم به کلمه‌ی «مرگ»، آن را بیان کرده است. پیشنهاد رباعی این است که: تفاوتی ندارد که فرد دانا باشد یا نادان، نباید چندان به این موضوع اهمیت داد، زیرا (توجیه) زندگی کوتاه است و همه به‌زودی خواهند مرد.



نهایی» به دو فضای مطالعه و کشاورزی مربوط است و در هر دو متن معنای مشابهی دارد. این تغییر، براساس دیدگاه یارمحمدی، نشان می‌دهد که فیتزجرالد از بخش‌های مختلف دیگر رباعیات خیام یا حتی از اشعار شاعران دیگر نظیر حافظ در ترجمه‌ی خود استفاده کرده است. به نظر می‌رسد برای توصیف این فضا یا تصویر کلی (نه پیام)، او از تصویر شعر حافظ بهره برده است:

در ترجمه‌ی فیتزجرالد، کلمات کلیدی رباعی به‌صورت "grow"، "wrought"، "seed of wisdom" "like wind I" و "I came like water", "harvest" "go" ترجمه شده‌اند. او فضای کلی را به فضای کشاورزی تغییر داده است. اما درعین‌حال، عبارت "seed of wisdom" نشان می‌دهد که تلاش فرد درجهت کسب دانش بوده است. به‌طورکلی، تصاویر در دو متن متفاوت هستند، هرچند شباهت‌هایی نیز وجود دارد، به‌عنوان مثال «نتیجه‌ی

سرعت حرکت اشاره دارد، ممکن است موجب سوءتفاهم شود؛ بنابراین بهتر این بود که به صورت "with wind" ترجمه شود. موضوع رباعی، زندگی است که از کودکی آغاز می‌شود، اما این موضوع در ترجمه‌ی فیتزجرالد رعایت نشده و تفاوت دارد؛ از این رو، راهبردهای تماتیک در شعر و ترجمه متفاوت است. اما عنصر پیشنهاد و توجیه در رباعی اصلی و نسخه‌ی ترجمه‌شده را می‌توان تقریباً یکسان دانست. شکل ۳ شمای کلی این ترجمه را نشان می‌دهد.



کارشناسی و پایین‌تر از دکتر است، (۳) رئیس مرد یک خانواده است.

برای نشان دادن مراحل مختلف زندگی (کودکی و بزرگسالی)، وینفیلد از عبارت "long ago" دو بار استفاده کرده است. به ترتیب، "long ago" به کودکی و بزرگسالی اشاره دارد. با این تفاوت که در نسخه‌ی اصلی کلمه‌ی کودکی به صورت صریح آمده است، اما در نسخه‌ی ترجمه‌شده به صورت ضمنی. کلمه‌ی "issue" در خط سوم به معنای نتیجه‌ی نهایی است که معمولاً راه‌حلی برای یک مسئله یا پاسخی به یک مشکل ارائه می‌دهد. باید اشاره کرد که خیام از مرگ بسیار شگفت‌زده است؛ نه تنها مرگ را به عنوان راه‌حلی برای هیچ چیز نمی‌بیند، بلکه

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
یادم از کشته‌ی خویشت آمد و هنگام درو

در مصرع «از خاک درآمدیم و بر باد شدیم»، عبارت «از خاک درآمدیم» اشاره به داستان آفرینش انسان از خاک دارد؛ این داستان در تمام ادیان الهی وجود دارد. اما فیتزجرالد آن را به "I came like water" و عبارت «بر باد شدیم» را که به معنی «مردن» است به صورت "and like wind I go" ترجمه کرده است. عبارت ("like wind") که به

در ترجمه‌ی وینفیلد، کلمات کلیدی به صورت "The end and issue of", "Masters", "Study", "From earth I came and like wind I go, it" ترجمه شده‌اند. به نظر می‌رسد فضای این ترجمه به فضای متن اصلی نزدیک‌تر باشد. در نسخه‌ی اصلی، تنها یک کلمه‌ی «استاد» فضای کلی را ایجاد می‌کند، اما در ترجمه‌ی وینفیلد دو کلمه‌ی "Study" و "Master" به کار رفته است. واژه‌ی "Master" معانی متعددی دارد و ممکن است باعث ابهام شود؛ از این رو، مترجم از کلمه‌ی "Study" برای رفع ابهام استفاده کرده است. "Masters" به معنای: (۱) معلم مرد، (۲) فردی که دارای مدرکی بالاتر از

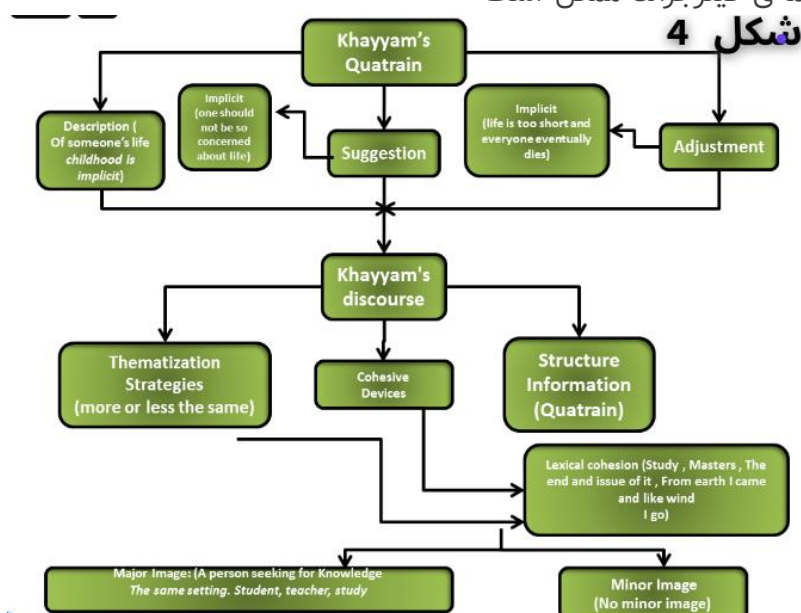
باعث سوءتفاهم شود، زیرا این اصطلاح در زبان انگلیسی به سرعت چیزی نیز اشاره دارد که منظور خیام در این رباعی نیست. این جمله صحیح‌تر بود اگر مترجم می‌نوشت: "بر باد می‌روم" (with wind). شاید دلیل این انتخاب هر دو مترجم دریافت نادرست از کلمه‌ی "باد" باشد.

راهبردهای تماتیک رباعی و متن ترجمه‌شده تقریباً یکسان هستند. پیشنهاد و توجیه نسخه‌ی اصلی رباعی و نسخه‌ی ترجمه‌شده مشابه یکدیگر است. شکل ۴ شمای کلی این ترجمه را نشان می‌دهد.

آن را به‌عنوان بزرگ‌ترین مسئله‌ی حل‌نشده در نظر می‌گیرد! شاهد این مدعا، یکی از اشعار خود خیام درباره‌ی مرگ است:

از جرم گل سیاه تا اوج زحل
کردم همه مشکلات کلی را حل
بگشادم بندهای مشکل به حیل
هر بند گشاده شد به جز بند اجل

در مصرع آخر (نتیجه‌گیری) وینفیلد می‌گوید: "از زمین آمدم و همچون باد می‌روم!" بخش اول (از زمین آمدم) درست است، اما بخش دوم (همچون باد می‌روم) مانند ترجمه‌ی فیتزجرالد ممکن است



تعریف شده است، درحالی‌که (Master) "استاد" معنای دیگری دارد که با این کلمات تفاوت‌های قابل توجهی دارد و اصلی‌ترین تفاوت آن این است که در زمان‌های دور از این کلمه برای توصیف معلم استفاده می‌شده است.

مصرع سوم رباعی به این شکل ترجمه شده است: "گوش بده آنچه بر ما خواهد گذشت." کلمات "گوش بده" و "خواهد گذشت" انتخاب‌های خوبی برای "بشنو" و "چه رسید" هستند. چون این کلمات فرم امری و رویدادهای غیرقابل‌کنترل انسانی را

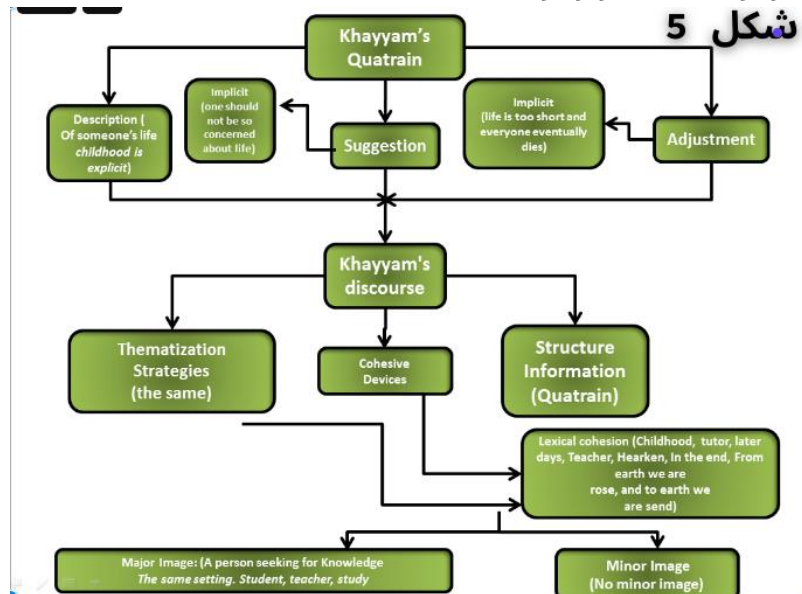
در ترجمه‌ی آریان‌پور، کلمات کلیدی به این شکل ترجمه شده‌اند: "کودکی"، "معلم"، "روزهای آتی"، "مدرس"، "گوش بده"، "در پایان"، "از زمین برخاستیم و به زمین فرستاده می‌شویم." این کلمات همان فضا و گفتمان را ایجاد می‌کنند، اما کلمات "معلم" (teacher) و "مدرس" (tutor) معادل‌های مناسبی برای "استاد" نیستند. "معلم" به معنای فردی است که مسئول آموزش و راهنمایی دیگری است و در دیکشنری وبستر به‌عنوان فردی که به‌صورت خصوصی به دانشجویان آموزش می‌دهد

وینفیلد و فیتزجرالد در این ترجمه ترجمه‌ی نادرستی انجام نشده بلکه تصویر دیگری ولی با همان پیام خیام جایگزین شده است.

لازم به ذکر است که در شعر اصلی از ضمیر اول شخص جمع از ابتدا تا انتها استفاده شده است، اما در نسخه‌ی ترجمه‌شده هم از ضمیر مفرد و هم از ضمیر جمع استفاده شده که این ناهماهنگی را ایجاد می‌کند. راهبردهای تماتیک در شعر اصلی و ترجمه‌ی آن یکسان هستند. "کودکی" که به صورت واضح در شعر اصلی ذکر شده، در ترجمه نیز به وضوح بیان شده است. شکل ۵ شمای این ترجمه را نشان می‌دهد.

نشان می‌دهند. اولین کلمه به معنای (۱) گوش دادن و (۲) توجه محترمانه به چیزی است و کلمه‌ی دوم به معنای پیش آمدن به‌ویژه مانند سرنوشت است.

مصرع آخر (نتیجه‌گیری) به این صورت ترجمه شده است: "از زمین برخاستیم و به زمین فرستاده می‌شویم!" بخش اول درست است و به‌ویژه کلمه‌ی "برخاستیم" همان تصویری را که در اصل وجود دارد ایجاد می‌کند، اما بخش دوم تصویر دیگری می‌سازد. اگر معادلی برای این عبارت وجود نداشت قابل قبول بود، اما "بر باد شدن" در فارسی به معنای "Gone with the wind" است و بهتر است همان‌طور ترجمه شود، البته شاید تغییر تصویر به دلیل محدودیت موسیقایی در ترجمه باشد. زیرا برخلاف



خوب و ماندگار تبدیل خواهد شد که خوانندگان آن را بپذیرند، اما در متون ادبی وفاداری به متن یکی از الزامات بوده و حداقل کاری که مترجمان باید انجام دهند بازنمایی ایدئولوژی اثر اصلی صاحب اثر است. به‌طورکلی، مشکل اصلی ترجمه‌ی فیتزجرالد، نخست ترجمه‌ی غیرمستقیم کل رباعیات است؛ به این معنی که مشخص نیست که کدام ترجمه مربوط به کدام رباعی است. برای مثال در دو رباعی زیر: یک چند به کودکی به استاد شدیم

۳ نتیجه

تحلیل سه ترجمه از هشت رباعی منتخب در این پژوهش نشان داد که ترجمه‌ی فیتزجرالد از رباعیات خیام درواقع بازآفرینی ایدئولوژی خیام است و او گاهی تصویرسازی‌ها را در همان چارچوب دستکاری کرده و گاهی هم به‌طورکلی چارچوب را تغییر داده است. می‌توان گفت او شعر را غربی کرده است و به نظر می‌رسد که همین کار دلیل موفقیت او بوده است. گرچه باید پذیرفت زمانی یک اثر به اثری

یک چند ز استادی خود شاد شدیم
پایان سخن شنو که ما را چه رسید
از خاک در آمدیم و بر باد شدیم

ترجمه‌ی فیتزجرالد:

"With them the seed of wisdom did I sow
And with my own hand wrought to make
it grow;
And this was all the harvest that I reap'd
I came like water, and like wind I go".

رباعی فارسی:

بازی بودم پریده از عالم راز
بو تا که پرم دمی نشینی به فراز
اینجا چو نیافتم کسی محرم راز
زان در که درآمدم برون رفتم باز

ترجمه‌ی فیتزجرالد:

"Myself when young did eagerly frequent
Doctor and Saint, and heard great Argu-
ment
About it and about: but evermore
Came out by the same door as I went".

دوم، تکرار تصاویر یکسان در رباعیات مختلف.
برای مثال این دو مصراع متعلق به دو رباعی مختلف
در ترجمه‌ی فیتزجرالد هستند، اما این تصویر تنها در
یکی از آن‌ها در شعر اصلی وجود دارد.

And "And ah, the passive lip I kiss'd"
"lip to lip it murmur'd

سوم، استفاده از عناصر دیگر در همان چارچوب.
برای مثال: "روباه" و "آهو" به "شیر" و "مارمولک"
ترجمه شده‌اند. چهارم، ترجمه‌ی فیتزجرالد بیشتر
مطابق با ذائقه‌ی خوانندگان است تا مطابق با قصد
نویسنده.

به نظر می‌رسد که ترجمه‌ی وینفیلد به
ایدئولوژی خیام وفادارتر باشد. او عناصر رباعی را
تغییر نداده، مگر در مواقعی که ضروری بوده است.
به عبارت دیگر، زمانی که احتمال سوءتفاهم برای
خوانندگان مقصد وجود داشته، او عناصر را تغییر
داده است. باین‌حال مواردی از کم‌کاری در ترجمه‌ی
او وجود دارد. برای مثال، در یک رباعی، "جمشید"
ترجمه نشده است که این امر ممکن است بر
معناشناسی شعر تأثیر بگذارد.

ترجمه‌ی آریان‌پور به متن اصلی بسیار نزدیک
است، اما در مواردی ترجمه‌ی نادرست در کار او دیده
می‌شود که این امر باعث ایجاد سوءتفاهم ازسوی
خوانندگان می‌شود. علاوه‌براین، او بیش‌ازحد درگیر
متن اصلی است و به خوانندگان مقصد توجهی
ندارد.

به نظر می‌رسد که ترجمه‌ی فیتزجرالد دارای
مشکلات جدی ترجمه‌ای است، زیرا در تضاد با شعر
اصلی است. اما ترجمه‌های وینفیلد و آریان‌پور در
وضعیتی متعادل‌تر قرار دارند؛ در برخی موارد،
ترجمه‌ی وینفیلد برتر است و در برخی موارد،
ترجمه‌ی آریان‌پور مناسب‌تر به نظر می‌رسد. انجام
قضاوتی دقیق‌تر، نیازمند پژوهش دیگری پیرامون
این دو ترجمه است. این مدل تحلیل گفتمان برای
بررسی در سطح کلان متن مناسب به نظر می‌رسد،
اما برای تحلیل سایر عناصر متن در سطح خرد، به
مدلی دقیق‌تر نیاز است. قافیه، واج‌آرایی، هم‌آوایی و
غیره ازجمله عناصری هستند که نیاز به بررسی
بیشتر دارند.

منابع

- Munday, J., Pinto, S. R., & Blakesley, J. (2022). *Introducing translation studies: Theories and applications*. Routledge .
- Nicholson, R. A. (1921). *Studies in Islamic poetry*. The University Press .
- Van Dijk, T. A. (2013). Discourse, power and access. In *Texts and practices* (pp. 93-113). Routledge .
- Van Leeuwen, T. (2013). The representation of social actors. In *Texts and practices* (pp. 41-۷۹). Routledge .
- Whinfield, E. H. (2013). *The Quatrains of Omar Khayyam*. Routledge .
- Yarmohammadi, L. (2001). *Discourse Analysis and Translation Studies*. In. Teharn: SAMT .
- اعظم، ا. (۲۰۲۰). *خیام زیستن در اکنون و اکنون‌های خیامی*.
- آقاگل‌زاده، ف. (۲۰۰۷). *تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات*. ادب پژوهی، ۱(۱)، ۲۷-۱۷.
- دستگیری، س. (۱۴۰۳). *اندیشه‌های فلسفی خیام و سلامت فکر و روان*.
<https://dr-saeed-dastgiri.com/khayyam-and-health>
- شریف، م. و یارمحمدی، ل. ا. (۲۰۱۴). *بررسی رباعیات خیام از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های*
- Amirshojai, A., & Khalilzadeh Ganjalikhani, M. (2017). Applicability of Lefevre's strategies in poetry translation regarding socio-cultural variations. *Review of Applied Linguistics Research*, 3(3), 93-115 .
- Ariyanpur, A. A., Mansour. (1971). *The Robaiyyat of Omar Khayyam*. Padideh .
- Baker, M. (2018). *In other words: A coursebook on translation*. Routledge .
- Bassnett, S. (1993). *Comparative Literature: A Critical Introduction*. In: Blackwell.
- De Blois, F. (2004). *Persian Literature-A Bio-Bibliographical Survey: Poetry of the Pre-Mongol Period (Volume V)*. Routledge .
- Fairclough, N. (2013). *Language and power*. Routledge .
- FitzGerald, E. (2009). *Rubáiyát of Omar Khayyám*. OUP Oxford .
- Hodge, B. R. I. V., & Kress, G. R. (1993). *Language as ideology* .
- Jakobson, R. (1959). *On linguistic aspects of translation*. Harvard UP .
- Khayyam, O. (2020). *The Rubaiyat of Omar Khayyam* .
- Khayyam, O., & Arberry, A. J. (1952). *A New Version Based upon Recent Discoveries*

جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان‌مدار.
شعر پژوهی (بوستان ادب)، ۶ (۲)،
۸۲-۶۷.

[https://doi.org/10.22099/jba.](https://doi.org/10.22099/jba.2014.1952)
۲۰۱۴، ۱۹۵۲

علوی‌مقدم، مهیار. و صادقی‌منش. (۲۰۱۵).
مکتب اخلاقی خیام اصالت فایده و
گریز از خودکامگی در رباعیات خیام.
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۲۵ (۷)،
۹۰-۵۹.

فاضلی، و مه‌بود. (۲۰۰۸). نظام فکری خیام.
پژوهش‌های ادبی، ۵ (۲۰)، ۹۰-۶۱.

محسنی، م. ج. (۲۰۱۲). عنوان فارسی:
جستاری در نظریه و روش تحلیل
گفتمان فرکلاف (عنوان عربی: بحث
فی نظریة تحلیل الخطاب لنورمان
فرکلاف ومنهجه).

یارمحمدی، ل. ا. (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی
رایج و انتقادی (تهران: هرمس).